

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۲ اپریل ۲۰۱۵

حکومتی که کسب و کار روزانه‌اش آدم‌کشی است، سگ‌کشی هم می‌کند!

حکومتی که به راحتی یک چشم بر هم زدن آدم می‌کشد؛ چه انتظاری از آن باید داشت که حیوانات را نکشد و محیط زیست را تخریب نکند. به خصوص در ایدئولوژی اسلامی حکومت اسلامی، سگ حیوانی «نجس» است. از این رو، ارگان‌های حکومتی، تاکنون بارها طرح‌های ممنوعیت نگهداری سگ را به مرحله اجرا درآورده‌اند. برای نمونه هر ساله تعداد زیادی سگ، توسط پیمان‌کارانی که با شورای شهر مشهد، قرارداد می‌بندند، کشته می‌شوند و بابت این اقدام وحشیانه خود، مبالغ زیادی از شهرداری دریافت می‌کنند. البته در این میان، مسئولین شهرداری‌ها نیز سهم خود را می‌برند. در واقع کشتار سازمان‌دهی شده سگ‌ها، عمدتاً به خاطر پول است. به عبارت دیگر، سرمایه‌داری برای کسب سود، به هر جنایتی همچون جنگ و کشتار و تخریب و نابودی کرده زمین و همه موجودات زنده نیز متوسل می‌شود.

سال ۱۳۸۷ بود که وزارت کشور مصوبه‌ای را به تمام شهرداری‌های کشور ابلاغ کرد مبنی بر این که سگ‌های ولگردی که ناقل بیماری‌های مختلف به انسان هستند باید معدوم شوند تا از بروز بیماری‌های خطرناک در انسان جلوگیری شود.

اما اتفاقی که در این شش سال، یعنی از تصویب این ماده «قانونی» (قانون سگ‌کشی) حکومت اسلامی افتاده، این است که در مشهد و شهرهای دیگر کشور و مسئولان شهرداری با همکاری شرکت‌های پیمان‌کاری عزم خود را جزم کرده‌اند که تمام سگ‌های شهرهای ایران را بکشند.

اکنون کشتار حیوانات در ایران، این‌بار با سگ‌کشی در شیراز برجسته شده است اما این کشتار نه با اسلحه، که با تزریق تناوبی اسید صورت گرفته است.

خبرگزاری فارس روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین [حمل] ۱۳۹۴، فلمی را منتشر کرده و نوشته است یکی از فعالان دفاع از حقوق حیوانات این فلم دو دقیقه‌ای را در اختیار این خبرگزاری قرار داده است.

در این فلم چند نفر نشان داده می‌شوند که در کنار خودروهای خود سگ‌ها را به نوبت با تزریق اسید می‌کشند. در کنار خودروها چندین لاشه سگ دیده می‌شود و سگی که به آن اسید تزریق می‌شود مدام ناله می‌کشد.

این فعال مدافع حقوق حیوانات که نام او منتشر نشده، گفته است پیمانکاران شهرک صنعتی شیراز با این روش «غیرانسانی» سگ‌ها را می‌کشند و در ازای ارانه هر لاشه ۱۵ هزار تومان دریافت می‌کنند.

این ویدئوی سه دقیقه‌ای نشان می‌دهد، بیش از ۱۰ قلاده سگ کشته شده‌اند که در میان آن‌ها دو توله سگ هم دیده می‌شوند. محل حادثه منطقه‌ای خشک و بیابانی در خارج از شهر است و چهار مرد که ماسک روی بینی و دهان خود قرار داده‌اند، همراه دو وانت پیکان دیده می‌شوند. یکی از مردها که وظیفه تزریق آمپول را بر عهده دارد، به بقیه اعضای گروه دستور می‌دهد تا جنازه سگ‌ها را جابه‌جا کنند.

سگی که مقابل دوربین می‌میرد، کمی پس از عمل تزریق، درد شدید را تحمل می‌کند و صدای دل‌خراشی از او شنیده می‌شود. در پایان ویدئو یک توله سگ کوچک درد سوزن سرنگ و ماده‌ای را که وارد بدنش می‌شود تحمل می‌کند. منتشرکننده فیلم با اشاره به این که حادثه در تاریخ یکشنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۴ در شیراز رخ داده در توضیحات همراه آن تأکیده کرده است: «افرادی که هویت آن‌ها مشخص است و از پرورش‌دهندگان سگ در استان فارس هستند، این جانوران بی‌سرپرست را با تزریق آمپول اسید کشتند. منطقه شهرک صنعتی شیراز محل حادثه بوده و مجریان این کشتار از کارفرمایی که به نام آن اشاره‌ای نشده، بابت کشتن هر قلاده سگ مبلغ ۱۵۰ هزار ریال دست‌مزد دریافت کرده‌اند.»

شهرک صنعتی شیراز در محدوده شهرداری منطقه پنج این شهر قرار دارد اما قاسم اکبری، شهردار این منطقه گفته است: «شهرک‌های صنعتی تحت نظارت سازمان پسماند اداره می‌شوند و مسوولیت کشتار سگ‌ها در این شهرک‌ها به عهده شهرداری نیست.»

با انتشار گسترده این فیلم در شبکه‌های اجتماعی، در روزهای گذشته در شهرهای مختلف ایران تجمعاتی برگزار شد از جمله معترضان در شیراز مقابل ساختمان شهرداری این شهر جمع کردند.

روز، یکشنبه ۳۰ فروردین، مقابل سازمان محیط زیست در پارک پردیسان تهران نشان می‌دهد که معترضان با سردادن شعار خواستار حضور رئیس این سازمان و پاسخ‌گویی او شدند.

در چین شرایطی، مسوولین حکومت اسلامی، مانند وقایع دیگر، به سفسطه و تناقض‌گویی افتاده‌اند و کدها و آدرس‌های غلط می‌دهند تا افکار عمومی از واقعیت‌ها منحرف سازند.

برای نمونه، روح‌الله خوشبخت، مدیر عامل سازمان پسماند شهرداری شیراز اما این فیلم را «ساختگی» خوانده و گفته است: «شهرک‌های صنعتی به هیچ‌وجه تحت نظارت شهرداری یا سازمان پسماند نیستند و هر شهرک به طور مجزا توسط مدیر مربوط اداره می‌شود.»

با این حال جعفر امیدی، مسوول دفتر شهردار شیراز بر این نظر است که «شهرک صنعتی شیراز تحت نظارت شهرداری شیراز بوده و این کشتار بی‌رحمانه توسط شهرداری شیراز در حال پیگیری است.»

یا معصومه ابتکار، رئیس سازمان محیط زیست با حضور در جمع معترضان به نقل از اداره محیط زیست استان فارس گفت: «سرنخ‌هایی پیدا شده اما برخی ابعاد موضوع روشن نیست چون شهرداری این مسأله را انکار می‌کند.»

این واقعه تکان‌دهنده و دل‌خراش فقط به شیراز محدود نبوده و قبلا در شهرهای دیگر کشور نیز به روش‌های مختلف اجرا شده است.

یک تشکل مردم نهاد فعال در آذربایجان شرقی گفته است که سگ‌های ولگرد و بی‌سرپرست در تبریز، به طرز بی‌رحمانه‌ای توسط برخی شرکت‌های طرف قرارداد با شهرداری کشتار می‌شوند.

به گزارش مهر، ۱۹ آذر [فوس] ۱۳۹۰، اشرف یوسفی، رئیس هیئت مدیره «انجمن حامیان طبیعت آذر» گفت: چندی است که سگ‌های بدون صاحب سطح شهر تبریز به بهانه جلوگیری از انتقال بیماری، زیباسازی چهره شهر و حمایت از حقوق شهروندان، توسط برخی شرکت‌های طرف قرارداد با شهرداری جمع‌آوری شده و در مکانی به نام معدوم‌گاه بعد از دو یا سه روز نگهداری در سخت‌ترین شرایط کشته می‌شوند.

وی با بیان این که ظاهراً مسئولان شهرداری در خصوص نحوه معدوم‌سازی این حیوانات نظارت کافی ندارد، گفت: این حیوانات زبان بسته پس از نگهداری در معدوم‌گاه، با روش‌های بسیار فجیع مانند ضربه به جمجمه توسط لوله‌های فلزی و کوبیدن سر آن‌ها به دیوار و یا حلق آویز شدن کشته می‌شوند.

این فعال حقوق حیوانات، با مطرح کردن این موضوع که چنین کشتار بیرحمانه‌ای برای دستیابی به سودهای کلان توسط عده‌ای معلوم الحال صورت می‌گیرد، ادامه داد: با وجود این که پیمان‌کار مربوطه طبق قرارداد، برای کشتن سگ‌ها با داروی بی‌هوش‌کننده هزینه دریافت می‌کند اما حیوانات یاد شده هرگز با داروی بی‌هوش‌کننده کشته نمی‌شوند چرا که هزینه داروهای فوق زیاد بوده و با وجود دریافت مبلغ از سوی شهرداری، پیمان‌کاران یاد شده از روش‌های غیراخلاقی و غیربهداشتی برای معدوم‌سازی حیوانات استفاده می‌کنند.

یوسفی با بیان این که هیچ‌گونه نظارتی بر تعداد حیوانات معدوم‌شده به صورت مستمر وجود ندارد، افزود: آمار ارائه شده توسط پیمان‌کار جهت دریافت هزینه بیشتر دست‌کاری شده و آمار غیرواقعی ارائه می‌شود.

وی با اشاره به آمادگی تشکل «حامیان طبیعت آذر» برای جلوگیری از کشتار حیوانات بی‌گناه، افزود: ما آماده‌ایم بعد از جمع‌آوری سگ‌های بدون صاحب از سطح شهر اقدام به واکسیناسیون و درمان بیماری‌های انگلی و جسمی آن‌ها کنیم و طی عمل جراحی کاملاً علمی توسط دامپزشکان سگ‌های نر را وازکتومی یا عقیم‌سازی نماییم.

یوسفی اضافه کرد: این تشکل با تغذیه مناسب و انجام حمایت‌های لازم نه تنها امکان زندگی و مرگ به صورت طبیعی را برای این حیوانات فراهم می‌کند بلکه با جمع‌آوری و درمان حیوانات مانع انتقال بیماری‌ها به انسان از طریق این حیوانات شده و سطح شهر هم تمیز می‌شود.

وی افزود: انجام عمل عقیم‌سازی موجب می‌شود تا معضل سگ‌های بدون صاحب و انتقال بیماری در طی دو تا سه سال در سطح منطقه به طور کامل حل و فصل شده و تحت کنترل درآید.

وی ادامه داد: موضوع به این‌جا ختم نمی‌شود زیرا اجساد سگ‌های ولگرد که با بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن کشتار می‌شوند به زباله‌گاه تبریز منتقل و به «کومورچائی» ریخته می‌شوند که می‌تواند فاجعه زیست محیطی دیگری را رقم زند.

همچنین به گفته ژیل پورایرانی، فعال دفاع از حیوانات در تبریز و از مسئولین «پناهگاه حیوانات پردیس»، که مدتی پیش به دوپچه‌وله گفته بود: «در محل معدوم کردن سگ‌ها، آن‌ها را یک هفته تا ۱۰ روز نگه می‌داشتند تا به تعداد قابل توجهی برسند. در این مدت هم به آن‌ها غذا نمی‌دادند و بسیاری از سگ‌ها از بی‌آبی و بی‌غذایی کشته می‌شدند. به گفته او، قانوناً آن‌ها باید سگ‌هایی که بیماری لاعلاج و قابل سرایت بین حیوان و انسان دارند را معدوم می‌کردند، ولی شرکت خدماتی که با شهرداری برای معدوم کردن سگ‌ها قرارداد داشت، هر سگی را که به آن‌جا برده می‌شد معدوم می‌کرد.

دوپچه‌وله از ژیل می‌پرسد: ایجاد پناهگاهی شبیه به «پناهگاه حیوانات پردیس» و تعطیل کردن همه مراکز معدوم‌کردن سگ‌ها در دیگر شهرهای ایران همچون تهران کاری شدنی است؟

ژیلا پور ایرانی می‌گوید: «این کار کاملا شدنی است، اما نیاز به یک همت شبانه‌روزی دارد. من از بچه‌های تیم خودمان واقعا تشکر می‌کنم که خیلی با من همکاری کرده‌اند. هرکدام یک قسمت از کار را عهده‌دار شده‌اند. همه همکاری کردند تا توانستیم این کار را انجام بدهیم.»

«پناهگاه حیوانات پردیس» صفحه‌ای هم در فیس‌بوک دارد که به صورت مرتب اخبار و وضعیت سگ‌ها در آن منتشر می‌شود. حدود ۱۵ هزار نفر هم این صفحه را لایک کرده‌اند. از ژیلا پور ایرانی که ادمین صفحه فیس‌بوک «پناهگاه حیوانات پردیس» نیز هست، از خبررسانی منظم درباره وضعیت سگ‌ها و پناهگاه می‌پرسم.

او می‌گوید: «من معتقدم حرفی که از دل برآید، بر دل نشیند. من عاشقانه به این زبان‌بسته‌ها خدمت می‌کنم و کارگر افتخاری پناهگاه هستم. از این نظر واقعا یک خلا خیلی بزرگی در جامعه ما وجود داشت. ادمین پیج خود من هستم و سعی کردم هر اتفاقی را که می‌افتد، با زبان خیلی ساده و همان احساسی که در همان لحظه داشتم به حیوان‌دوستان و کسانی که از پیج بازدید می‌کنند، انتقال دهم.»

در حال حاضر اگر شهروندی در تبریز با شهرداری تماس بگیرد و خبر از سگی بدون صاحب در گوشه‌ای از شهر بدهد، اعضای «پناهگاه حیوانات پردیس» راهی آن مکان شده و سگ را زنده‌گیری کرده و به پناهگاه می‌آورند. پناهگاهی که حالا حدود ۴۰۰ سگ در آن نگهداری می‌شوند.

بر اساس گزارش‌های منابع خبری در ایران، شهرداری رشت چند شب پیش سگ‌های ولگرد را در دوازده خیابان اصلی این شهر با استفاده از گلوله و تفنگ کشت. سایت گیلان امروز، خبر داد که تعدادی از سگ‌ها در جا کشته شدند و بعد از چند ساعت درد کشیدن بر اثر خونریزی جان دادند.

متأسفانه حکومت اسلامی ایران، نه تنها سگ‌ها و دیگر حیوانات، بلکه انسان‌ها را نیز فردی و جمعی معدوم می‌کند. پیمان‌کارهایی که حرص و ولع کسب سود بیش‌تری دارند طرف قرارداد شهرداری هستند، معمولاً کارشان را به شکل غیرانسانی انجام می‌دادند.

در سایت‌های اینترنتی عکس‌هایی از کشتار سگ‌ها در مشهد دست به دست می‌شود. یکی از مسئولان پناهگاه‌های حیوانات شهر مشهد که می‌خواهد نامش فاش نشود در این‌باره به خبرگزاری «فرهیختگان»، گفته است: «مردمان شهرهای اطراف مشهد با تشویق مالی که از سوی شهرداری‌ها می‌شوند اقدام به کشتن و دارزدن سگ‌های منطقه می‌کنند. شهرداری برای گرفتن هر سگ ۲۵ هزار تومان و برای کشتن آن نیز ۲۵ هزار تومان به هر شهروند می‌دهد که عاملی شده برای تشویق مردم تا این حیوانات را از بین ببرند.»

او تأکید می‌کند: «متأسفانه روشی که برای کشتن سگ‌ها در پیش گرفته‌اند نیز خیلی بی‌رحمانه است؛ مردم سگ‌ها را دار می‌زنند و شهرداری نیز با زدن آمپول به قلب سگ‌ها آن‌ها را می‌کشد. بارها مشاهده شده که شهرداری هفته‌ای ۴۰ وانت از اجساد سگ‌های کشته‌شده را به بیرون شهر منتقل و در آن‌جا دفن می‌کند.»

مسئول پناهگاه‌های حیوانات مشهد، با بیان این که بیش‌تر سگ‌های ماده باردار پس از زایمان کشته می‌شوند، می‌گوید: «کسانی که سگ‌ها را شکار می‌کنند اگر متوجه شوند سگ‌های ماده باردار هستند آنان را تا لحظه زایمان نگه می‌دارند تا بتوانند برای کشتن توله‌های آن نیز از شهرداری پول بگیرند. به این تربیت به جای ۵۰ هزار تومان پول بیش‌تری گیرشان می‌آید.»

او تأکید می‌کند: «در این مدت به سگ‌ها نه غذا می‌دهند نه آب تا جایی که بسیاری از این جانوران بر اثر گرسنگی به یکدیگر حمله می‌کنند و همدیگر را می‌خورند.»

اما حتی اگر سگ‌ها با دارو کشته شوند نیز وضعیت فرقی ندارد. او با اشاره به استفاده از داروهای تاریخ مصرف گذشته برای کشتن سگ‌ها، ادامه می‌دهد: «بسیاری از داروهایی که برای کشتن سگ‌ها استفاده می‌کنند تاریخ مصرفشان گذشته و تزریق این داروها سبب می‌شود سگ تا نیم ساعت پس از دریافت دارو در حال جان دادن باشد و عذاب بکشد.»

جانپانه‌تر از همه، اظهار نظر مدیر روابط عمومی مدیریت پسماند شهرداری تهران است که در این باره گفته است: «شهرداری چاره‌ای جز کشتن سگ‌ها ندارد زیرا نه مکانی برای نگهداری سگ‌ها دارد و نه می‌تواند آن‌ها را عقیم‌سازی کند.»

او اعلام آمار در این باره را منوط به مکاتبات اداری می‌داند و می‌گوید: «مطمئن نیستم کسی که پشت خط است آیا واقعا خبرنگار است یا نه که بتوانیم آماری درباره کشته شدن سگ‌ها اعلام کنیم اما در سایت شهرداری اخبار و آمار موجود است.»

با این حال اطلاعات مورد نیاز در سایت شهرداری مشهد نیز وجود ندارد اما در همین سایت خبری از علی نجفی مدیرعامل سازمان مپ (مدیریت پسماند) شهرداری مشهد با این مضمون منتشر شده است: «اکویپ‌های جمع‌آوری و معدوم‌سازی سگ‌های ولگرد به صورت شبانه‌روزی در حال گشت‌زنی در مناطق مختلف شهر هستند و با روش زنده‌گیری اقدام به جمع‌آوری سگ‌های ولگرد می‌کنند. یکی از دلایل اصلی و شایع بیماری سالک وجود حیوانات بالاخص سگ ولگرد در حاشیه و اطراف شهر است که معمولا این حیوان برای کسب غذا به داخل شهر کشیده می‌شود و موجب بیماری‌ها و ناراحتی‌های مختلف برای شهروندان می‌شود از این‌رو این سازمان با مشارکت بخش خصوصی اقدام به جمع‌آوری و معدوم‌سازی سگ‌های ولگرد می‌کند و با روش مرگ با ترحم این حیوان از بین می‌رود و سپس به صورت بهداشتی و با آهک دفن می‌شود.» اما بنا به گفته این مسئول شهرداری، از ابتدای سال گذشته تا پایان سال تعداد ۸ هزار و ۶۰۰ قلاده سگ ولگرد معدوم‌سازی شدند.

مدیرعامل انجمن دیده‌بان حقوق حیوانات با اشاره به کشتن سگ‌ها در شهر مشهد گفت: از مسئولان شهری مشهد درخواست می‌کنیم که به جای کشتن سگ‌ها، زباله‌ها که غذای اصلی این حیوانات هستند را کنترل کنند.

شهرام شریفی در گفت‌وگو با پانا، ۶ مهر ۱۳۹۱، با اشاره به کشتار سگ‌ها در شهر مشهد اظهار داشت: حدود ۱۵ روز پیش ردیف بودجه‌ای از سوی مسئولان شهر مشهد اعلام شد که سازمان مدیریت پسماند مشهد اعلام کرد که ۲۱۸ میلیون از محل معدوم کردن سگ‌ها در این شهر درآمد داشته است.

مدیرعامل انجمن دیده‌بان حقوق حیوانات اضافه کرد: طی صحبت‌هایی که انجام شد، مبلغ فوق تکذیب شد چرا که با آماري که از سوی مسئولان مشهد اعلام شد متفاوت بود، از طرفی اعلام شد که هزینه کشتن هر سگ ۵۰ هزار تومان است و ۸ هزار و ۵۰۰ سگ معدوم شده است که این آمار متناقض بود.

وی تصریح کرد: مسئولان شهر مشهد اعلام کردند که در ۱۰ سال اخیر حدود ۶۱ هزار سگ را معدوم کرده‌اند که هزینه‌ای بیش از ۳ میلیارد و نیم داشته است.

مدیرعامل انجمن دیده‌بان حقوق حیوانات یادآور شد: این که سگ‌ها بابت آلودگی معدوم می‌شوند و آن‌ها عامل بیماری‌های هستند نمی‌تواند عاملی برای کشتار آن‌ها باشد، در سال گذشته تنها ۷ نفر در کل کشور سگ‌گزیده شده‌اند.

شهرداری‌های شهرهای مختلف ایران در موارد زیادی سگ‌های ولگرد را کشته‌اند. اما مسأله از شهرداری‌ها فراتر می‌رود و به ارگان‌های امنیتی و قانون‌گذاری و حتی ایدئولوژی اسلامی نیز می‌رسد.

طرح ارتقای امنیت اجتماعی در شهریور ماه ۱۳۸۶، وارد مرحله جدیدی شده تا آنجا که اگر تا دیروز سایه این طرح بر سر زنان و مردان «بدحجاب» یا «ارادل و اوباش» بود، آن روز حیوانات نیز مشمول این طرح شده‌اند، به طوری که در آن سوی شهر در خیابان پولیس بازداشتگاهی برای سگ‌ها در نظر گرفته شده است.

در راستای طرح امنیت اجتماعی، حیوانات نیز هدف قرار گرفته است؛ طرحی که برخلاف بدون اطلاع‌رسانی قبلی و ناگهانی به مرحله اجرا گذاشته شد.

یکی از کسانی که سگش را بازداشت کرده‌اند در همین خصوص می‌گوید: ... به یاد ندارم که اعلام قبلی شده باشد که حق ندارید حیوان مریض خود را برای مداوا به دامپزشکی ببرید. به همین علت من بدون اطلاع قبلی سگم را که به شدت دچار یک بیماری شدید قارچی شده بود به کلینک بردم در راه بازگشت موتور سواری به من دستور توقف داد و بعد از آن یک الگانس جلو خودور ترمز کرد.

بعد از رویت مدارک خودرو، مرا به خیابان پولیس هدایت کردند تازه آنجا متوجه شدم به چه دلیلی جلو مرا گرفته‌اند. هرچه التماس کردم، دارو و نسخه دامپزشک را نشان دادم اما فایده نداشت و حیوان را از من جدا کردند... ده روز تمام کل خانواده بسیج شدیم، انواع و اقسام مدرک جمع‌وجور کردیم با کلی پارتی و رشوه. بالاخره با به اغما رفتن سگم به دلیل ترزیق نکردن به موقع انسولین حیوان را در بدترین شرایط جسمی و روحی به من تحویل دادند، اما با این تعهد که بعد از بهبود آن را دوباره برگردانم.

خانمی دیگری در خصوص نحوه بازداشت سگش می‌گوید: چته جسیکا به اندازه یک کف دست است. آن شب تا زمانی که توسط گشت به مقر نیروی انتظامی در خیابان پولیس هدایت شدم دلیل این بازداشت را نمی‌دانستم تا این که همانجا متوجه شدم. هر چه اصرار کردم این سگ کوچک است روی پاهای من خوابیده بود و مزاحمتی برای کسی ایجاد نکرده فایده‌ای نداشت. یکی از آن‌ها گفت سگ را به من بده ببرم به فرمانده نشان دهم چون کوچک است می‌گذارد آن را بربری. من هم باور کردم اما چند دقیقه بعد فهمیدم چه کلامی سرم رفته.

اما به هر حال من دست از تلاش برنداشتم چرا که این سگ همه زندگی من است به خاطرش دست به هرکاری زدم... در مدت بازداشت سگم من از نظر روحی له شدم اما در آن روزها هدفی جز آزادی جسیکا از آن جهنم نداشتم.

بالاخره با هزاران بدبختی که تمایلی به گفتن آن ندارم توانستم او را نجات دهم، اما در مقابل اصل شناسنامه‌ام را از من گرفته‌اند تا وقتی جسیکا خوب شد آن را برگردانم اما من حاضرم به خاطر جسیکا از قید شناسنامه نیز بگذرم. حتی قصد داشتم اگر روند بازداشت ادامه داشت و برای سگم اتفاقی پیش می‌آمد همانجا خودکشی کنم.

رضا، که به عنوان یک دامپزشک از این محل بازدید داشته در شرح مشاهدات خود می‌گوید: «چیزی در حدود ۲۰ سگ در زمینی که دور تا دور آن حصار کشی بود رها شده بودند. سگ‌های که اکثراً نژادهای آپارتمانی همچون یورک شایر، تریر و پودل را تشکیل می‌دادند.»

اگرچه اجازه ورود به محوطه نگهداری سگ‌ها به ما داده نشد ولی از همان فاصله یکی دو متری تشخیص درگیری آن‌ها با بیماری‌های عفونی و ویروسی امکان‌پذیر بود.»

رضا می‌گوید: «نگهداری تعدادی حیوان در کنار هم به هیچ عنوان بهداشتی و صحیح نیست، چون در صورت ابتلای یکی از آن‌ها به بیماری به سرعت بیماری پخش شده و سایرین نیز آلوده خواهند شد... از طرف دیگر با توجه به نگهداری حیوانات در بستر خاکی امکان شستشو و نظافت وجود نداشته و مدفوع آن‌ها که می‌تواند خود باعث انتقال انگلها و بیماری‌های عفونی و ویروسی باشد باقی خواهد ماند و ذرات خشک شده مدفوع نیز با وزش

باد در هوا پراکنده شده و این مسأله می‌تواند علاوه برای نیروهای نظامی مستقر در قرارگاه برای ساکنین منطقه نیز بسیار خطرناک باشد.»

احمدرضا رادان، جانشین فرمانده وقت پولیس ایران، گفته بود: «حمل حیوانات در داخل خودروی که انسان در آن حضور دارد ممنوع است. اجازه نمی‌دهیم عده‌ای در خیابان‌ها با سگ گردانی و حمل حیوان در خودرو، خودشان و سگ‌شان را به نمایش عمومی بگذارند.»

احمدرضا رادان، جانشین رئیس پولیس ایران ۹ اردیبهشت ۱۳۹۲، اعلام کرد برخورد با «سگ‌گردانی» در دستور کار پولیس قرار دارد. جانشین رئیس پولیس حکومت اسلامی ایران، گفت: «اجازه نمی‌دهیم عده‌ای در خیابان‌ها با سگ‌گردانی و حمل حیوان در خودرو، خودشان و سگ‌شان را به نمایش عمومی بگذارند.»

در اواسط تیر ماه ۱۳۹۳، اهالی محله خانه چوبی در منطقه باغ‌میشه تبریز، نیمه‌های شب در حالی با سر و صدای شلیک گلوله و زوزه سگ‌های مجروح از خواب برخاستند و به این کار اعتراض کردند که فکر نمی‌کردند دخالت‌شان در این کشتار بی‌رحمانه به نرخ تهدید شدن خودشان با سلاح گرم تمام شود!

داود، جوانی که با خانواده‌اش در این منطقه زندگی می‌کند می‌گوید: ساعت سه نیمه شب، وقتی همراه با چند تن از همسایگان برای اعتراض به کشتار بی‌رحمانه سگ‌ها از ساختمان بیرون شدیم، متوجه شدیم که یک خودرو پیکان با چراغ گردان زرد رنگ و یک دستگاه نیسان - که هر دو نشانه شهرداری منطقه ۵ تبریز رویشان درج شده بود - به همراه شش تن از ماموران شهرداری در حال کشتار سگ‌های ولگرد هستند؛ در حالی که چند سال است در شهرمان پناهگاه نگهداری از این حیوانات وجود دارد و می‌شود این زبان بسته‌ها را این‌چنین فجیع نکشت.

وی می‌افزاید: در حالی که تلاش داشتیم مانع کشته شدن سگ‌ها شویم، ماموران نخست ما را پس زدند و بعد که پافشاری ما را دیدند، یکی از ایشان اسلحه خود را به سمت گرفت و تهدید کرد که مزاحم کارشان نشوم. بعد سگ مجروح را با شلیک گلوله به شکل دردناکی کشتند و با بیل، لاشه‌اش را روی تل لاشه‌های جمع شده پشت نیسان انداختند و رفتند...

مجلس شورای اسلامی حکومت اسلامی ایران هم طرحی دارد که بر اساس آن «سگ‌گردانی» در شهر، معامله و نگهداری آن در خانه ۷۴ ضربه شلاق و یا جریمه نقدی از یک تا ۱۰ میلیون تومان خواهد داشت و سگ توسط پولیس ضبط می‌شود.

علیرضا کریمی، مدیرکل دفتر تبلیغات و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهریور ۱۳۸۹، دلیل این ممنوعیت را «استفتاء» از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی یکی از مراجع تقلید ذکر کرد.

این ممنوعیت با استناد به بند الف ماده ۱۲ آیین‌نامه فعالیت‌های تبلیغاتی انجام می‌شود که «رسانه‌های مختلف از پذیرش، چاپ و انتشار آگهی‌های فوق‌الذکر خودداری نمایند.»

ماده ۱۲ آیین‌نامه فعالیت‌های تبلیغاتی، به قوانین مربوط به سازمان‌های تبلیغاتی و مؤسسات انتشار دهنده آگهی در تنظیم آگهی‌های تبلیغاتی اشاره می‌کند.

در بند الف ماده ۱۲ آیین‌نامه فعالیت‌های تبلیغاتی آمده: «آگهی‌های تبلیغاتی باید با موازین شرعی و قانونی کشور منطبق باشند.»

پولیس تهران سگ‌های مردم را به گونی می‌اندازد و به سوله‌ای در کهریزک می‌برند. کهریزک، نامی که در روزهای بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم و اتفاقات پس از آن، دیگر کمتر ایرانی است که به گوشش نخورده

باشد یا حتی وقتی سوار خط یک متروی تهران می‌شود و مقصد اعلام می‌شود؛ «کهریزک»، یاد روزهای پرماجرای خرداد سال ۸۸ و خبرهای مختلفی نیفتد که درباره بازداشتگاه کهریزک منتشر شد.

خبرگزاری «بهار»، ۱۴ اردیبهشت [شور] ۱۳۹۲، نوشت: حالا چهارسال از آن روزها گذشته، بازداشتگاه غیراستاندارد کهریزک تعطیل شده، سه نفری که در این بازداشتگاه کشته شدند، چهارسال است که نیستند و درست در روزهایی که بالاخره دادگاه متهمان پرونده این سه نفر در حال برگزاری است، دوباره کهریزک خبرساز شده است اما این بار برای سگ‌ها؛ سگ‌هایی که پولیس دیدنشان را در خیابان‌ها تاب نمی‌آورد و آن‌ها را در گونی می‌اندازد و با خود می‌برد. تا این‌جای ماجرا البته به ظاهر چندان مشکلی وجود ندارد؛ حالا تقریباً چهار سالی می‌شود که هر چند وقت یک‌بار، ماموران پولیس در جریان اجرای طرح امنیت اجتماعی به محض دیدن سگ‌هایی که توسط صاحبانشان به خیابان‌ها آمده‌اند، آن‌ها را توقیف می‌کند، به صاحبانشان یک رسید می‌دهد و آن‌ها را با خود می‌برد. امسال هم و بعد از آن که یک هفته از شروع مرحله جدید طرح امنیت اجتماعی می‌گذرد، پولیس روش‌هایش را هم برای مقابله با آنچه به آن «سگ‌گردانی» می‌گوید، عوض کرده است. ماموران پولیس این روزها با ماشین‌هایشان در خیابان‌ها می‌چرخند، سگ‌هایی را که می‌بینند از صاحبانشان می‌گیرند، در گونی می‌اندازند و با خود می‌برند؛ تا این‌جای ماجرا مانند سال‌های قبل است اما درباره بقیه ماجرا، خبرهای متفاوتی به گوش می‌رسد. از تحویل ندادن رسید به صاحبان سگ‌ها تا بردن و نگهداری این سگ‌ها به منطقه قلعه‌چمن در کهریزک تهران.

خبر را پیام محبی، نایب رئیس جامعه دامپزشکان کشور و رئیس بیمارستان دامپزشکی تهران به «بهار» می‌دهد. او می‌گوید که در سه روز گذشته صاحبان تعدادی از سگ‌ها با او تماس گرفته و گفته‌اند که پولیس با نگهداری سگ‌هایشان در سوله‌ای در منطقه قلعه‌چمن کهریزک، پاسخی درباره وضعیت آن‌ها نمی‌دهد: «در مرحله جدید طرح امنیت اجتماعی، وقتی ماموران پولیس سگ‌ها را از صاحبانشان در خیابان‌ها می‌گیرد به آن‌ها می‌گوید که می‌خواهیم آن‌ها را بکشیم. علاوه بر این، آن‌ها خلاف سال‌های گذشته، هیچ رسیدی به صاحبان سگ‌ها نمی‌دهند و آن‌ها را با شیوه‌های خشن با خود می‌برند. ماموران پولیس به صاحبان این سگ‌ها هیچ آدرسی برای تحویل گرفتن سگ‌هایشان نمی‌دهند، در حالی که سال‌های قبل این اتفاق نمی‌افتاد و پولیس با گرفتن تعهد از صاحبان سگ‌ها آن‌ها را بازمی‌گرداند.» دو سال پیش بود که محبی به مصطفی محمد نجار، وزیر کشور نامه نوشت و درباره وضعیت نگهداری حیوانات بازداشت شده توسط نیروی انتظامی تذکر داد. او در آن زمان و در نامه‌هایی که سال ۸۶ به وزیر کشور نوشته، آمادگی بیمارستان دامپزشکی تهران را برای همکاری داوطلبانه و رایگان با پولیس اعلام کرده است. او در این‌باره می‌گوید: «من چندسالی می‌شود که این موضوع را پیگیری می‌کنم چون معتقدم که پولیس در این سال‌ها فراقانونی عمل کرده و به جای این‌که مجری قانون باشد، خودش قانون‌گذاری و آن را اجرا می‌کند. اگر به فرض هم حرف سردار رادان و سردار احمدی‌مقدم درباره ممنوع‌بودن سگ‌گردانی و نگهداری سگ درست باشد، باز هم باید این را پرسید که گناه سگ در این میان چیست؟ ... اما در این ماجرا اگر جرمی از سوی صاحب یا مالک حیوان انجام شده، پس برخورد با حیوانات زبان‌بسته و بی‌گناه از سوی پرسنل نیروی انتظامی چه محلی از اعراب دارد؟» محبی می‌گوید که نگهداری سگ‌ها در مکان‌های غیربهداشتی برای ماموران پولیس هم خطرناک است: «همان‌طور که در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های انسانی رعایت حداقلی از استانداردهای بهداشتی الزامی است، قطعاً در رابطه با حیوانات هم چنین است، چنان‌که در نظرنگرفتن مسائل بهداشتی ممکن است علاوه بر آلودگی

محیط سبب بروز بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان هم شود و مخاطراتی برای پرسنل نیروی انتظامی ایجاد کند.»

حالا دو، سه روزی می‌شود که اعضای نزدیک به ۴۰ خانواده در مکان نگهداری این سگ‌ها در کهریزک منتظرند. خودشان می‌گویند نه خواب دارند نه خوراک. غذا به‌دست منتظر ایستاده‌اند تا ببینند چه می‌شود. می‌گویند نگرانند، ناراحتند، شب‌ها خوابشان نمی‌برد و در برابر همه این‌ها ماموران پولیس هرکدام، یک‌چیز به آن‌ها می‌گویند. یکی می‌گوید آن‌ها را پس نمی‌دهیم، بروید دنبال کارتان، یکی می‌گوید قرار است آن‌ها را بکشیم و گوشت‌هایشان را در چرخ گوشت بیندازیم، یکی دیگر می‌گوید قرار است آب‌ها که از آسیاب افتاد و بالاخره از رفتن و آمدن خسته شدید، آن‌ها را در بیابان‌ها رها کنیم.

زنی دوروز پیش، وقتی دخترش سگش را برای گردش به یکی از پارک‌های منطقه فرمانیه برده بود، ماموران پولیس سگش را گرفته و با خود برده‌اند. او وقتی با «بهار» گفت‌وگو می‌کند صدایش در نمی‌آید، از بس از شدت ناراحتی جیغ کشیده و جواب درستی نشنیده است: «دوروز پیش وقتی که دخترم سگمو توی پارک می‌گرداند، دو مامور پولیس به او نزدیک شدند، به سگم لگد زدند و او را در کنار دو سگ دیگر در یک گونی انداختند و وقتی دخترم به آن‌ها اعتراض کرد، به اعتراض او توجه نکردند.

این ماموران از بیش‌تر سگ‌هایی که می‌گیرند، عکس گرفته‌اند ولی این اتفاق برای سگ من نیفتاده است.» او می‌گوید که تا لحظه تنظیم گزارش حدود ۷۰ قلاده سگ در ساختمانی در کهریزک نگهداری می‌شوند. مرد دیگری که روز چهارشنبه گذشته در ساعت ۱۲:۳۰ ظهر، ماموران پولیس، سگش را با خود برده‌اند، در گفت‌وگو با «بهار» ماجرا را این‌طور توضیح می‌دهد: «آن روز پدرم، سگم را برای گردش بیرون برده بود که ماموران پولیس به سمت او آمدند و با گرفتن سگم به او گفتند که سگ را برای انجام‌دادن آزمایش‌های هاری به پارک پردیسان می‌برند و اگر مشکلی نداشت او را رها می‌کنند. در حالی که این‌چنین نشد و وقتی او را سوار ماشین کردند، پدرم را جا گذاشتند و سگم را هم به پارک پردیسان نبردند. پدرم برای جلوگیری از بردن او، حتی جلوی ماشین پولیس خوابیده ولی ماموران پولیس هیچ توجهی به او نکردند.» او می‌گوید که برای پیدا کردن سگش به مقر فرماندهی پولیس در خیابان پولیس و کلانتری وزرا و مقر پولیس در سمراه افسریه مراجعه کرده ولی آن‌ها به او گفته‌اند که این‌جا سگدانی نیست و آخرسر یکی از ماموران پولیس به‌طور پنهانی به او گفته است که ماموران سگش را به سوله‌ای در کهریزک برده‌اند.»

با شروع دور جدید برخورد با سگ‌گردانی در ایران، از حدود ۲۵ روز پیش حدود ۱۵۰ سگ در تهران بازداشت و به کهریزک منتقل شده‌اند. از این تعداد حدود ۶۰ سگ در اثر گرسنگی، تشنگی یا ابتلا به بیماری‌های ویروسی در کهریزک تلف شده‌اند.

دکتر رضا جوالچی، دبیر «انجمن حمایت از حیوانات» در تهران، به دویچه وله گفته است: «از حدود ۲۵ روز پیش «یگان امداد» در سطح شهر اقدام به تصرف سگ‌هایی که در حال رفت و آمد بودند کرد. سگ‌هایی را که در اتومبیل حمل می‌شدند، از صاحبان‌شان گرفتند، بدون این که هیچ‌گونه رسیدی به صاحبان سگ‌ها نشان داده شود و این سگ‌ها در نهایت به بازداشتگاهی که در منطقه‌ی کهریزک واقع است، منتقل شدند.»

دبیر «انجمن حمایت از حیوانات» وضعیت سگ‌ها در کهریزک را «اسفناک و بسیار وحشتناک» توصیف می‌کند و ادامه می‌دهد: «متأسفانه در آن‌جا حتی آب آشامیدنی هم وجود ندارد. آب آن‌جا شور است و برای پرسنل آن‌جا آب

فرستاده می‌شود. در نتیجه، سگ‌ها برای آب هم در مضیقه هستند. طبیعتاً وقتی پرسنل با کمبود آب مواجه هستند، خیلی بعید به نظر می‌رسد که آب را در اختیار حیوانات برای آشامیدن قرار بدهند.»

طی این مدت «انجمن حمایت از حیوانات» نامه‌های متعددی از جمله به فرمانده نیروی انتظامی درباره تخلفات انجام شده حین دستگیری سگ‌ها و غیرقانونی بودن بازداشت سگ‌ها نوشته است که همگی بی‌پاسخ مانده‌اند.

چند سال پیش در خبرهای آمده بود که آن موقع، جنایت هولناک شکنجه و قتل فجیع ۱۸ زن زندانی در شکنجه گاه کهریزک روی داده است. کمپ کهریزک، مکانی است که بیش از ده سال پیش در پی عملیات موسوم به جزیره در محدوده محله خاک سفید جهت محبوس ساختن دستگیرشدگان معتاد از طرف نیروی انتظامی شهر تهران ساخته شد. این بازداشتگاه در وسط محوطه خالی از سکنه و بیابان قرار دارد که دارای یک سالن، ۸ اتاق و ۲ اتاق قرنطینه می‌باشد.

این بازداشتگاه، از چند سوله ساخته شده که در داخل برخی از سوله‌ها تعدادی کانتینر قرار داده شده است. با این که ظرفیت هر کانتینر به اندازه ۵ نفر بود اما به علت وجود بی‌شمار دستگیرشدگان در هر کدام از این کانتینرها حدود ۳۰ یا ۴۰ نفر نگهداری می‌شدند. این در حالی است که تنها منفذ هوایی این کانتینرها یک سوراخ کوچک است که هوا از آن وارد می‌شود. و نیز به علت تابش نور مستقیم آفتاب به روی هر کدام از این کانتینرها هوای داخل تا حدود غیرقابل تحملی گرم و پر حرارت بوده است. از سوی دیگر، در اردوگاه مرگ کهریزک یک سوله مستطیلی شکل ایجاد شده است و این سوله را قفس‌بندی کرده‌اند، مساحت هر قفس در حدود ۳۰ مترمربع است. در هر کدام از این قفس‌ها بین ۴۰ الی ۶۰ نفر جا داده می‌شد که زندانیان تقریباً فقط قادر به ایستادن باشند. در واقعه خونین سال ۸۸، در این سوله در حدود ۲۰۰ نفر از دستگیرشدگان معترض و تعدادی از زندانیان عادی زندانی بودند.

بنا به گفته شاهدان عینی بازداشت شدگان طرح جمع‌آوری ارادل و اوباش و نیز تعداد زیادی از دستگیر شدگان حادثه ۱۸ تیر و نیز دستگیرشدگان حوادث بعد از انقلاب انتخابتی، داخل این سوله‌های نگهداری می‌شدند.

آمارهای مختلفی از تعداد بازداشت‌شدگان در زندان کهریزک اعلام شده است به طوری که گفته می‌شد حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر در این بازداشتگاه زندانی بودند. همچنین زندان کهریزک، فاقد امکانات بهداشتی بود.

براساس گزارش‌های منتشر شده، بازداشتگاه کهریزک، تحت نظارت مستقیم پاسدار «رادان» قائم مقام فرمانده نیروی انتظامی کل کشور اداره می‌شد. بنا به گفته زندانیان زندان کهریزک، رادان خود شخصا برخی از بازداشت‌شدگان را مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می‌داده است. حتی گفته شده است «محسن روح الامینی» به واسطه ضرب و شتم همین فرد به قتل رسیده است. محسن، پسر یکی از چهره‌های شناخته شده حکومت اسلامی و نزدیک به میرحسین موسوی بود.

براساس گزارش‌ها، در اردوگاه مرگ کهریزک، احمد رضا رادان خطاب به زندانیان گفته بود: «در دنیا اول این‌جا است زندانی که زندانی را آدم می‌کنیم بعد ابو غریب و گوانتنامو.»

علی خامنه‌ای سردمدار چماقداران و آدم‌کشان حکومت اسلامی، دستور بسته شدن بازداشتگاه کهریزک را صادر کرد زیرا، به گفته او در آن‌جا معیارهای لازم برای حفظ حقوق بازداشت‌شدگان وجود ندارد. این در حالی است که در این اردوگاه مرگ ده‌ها نفر به قتل رسیدند و صدها نفر در اثر شکنجه دچار صدماتی شدند و تا پایان زندگی‌شان اثرات جسمی و روحی آن را با خود دارند. علی خامنه‌ای که افراد فوق مجری فرامین او بوده از ترس به محاکمه

کشاندن آن‌ها و افشای نقش خود اقدام به بستن شتابزده و از بین بردن آثار جرم نمود و افراد فوق را برای ادامه جنایت علیه بشریت به شکنجه‌گاه‌های دیگر منتقل کرد.

پس از مرگ «محسن روح‌الامینی» نارضایتی گسترده‌ای در میان برخی عوامل حکومت و حتی سپاه به وجود آمد. آنان به اسناد و مدارکی دست یافته بودند که متناقض با اطلاعات رسمی ارائه شده به پدر محسن روح‌الامینی بود. آن‌ها می‌دانستند که بازداشت محسن با برنامه‌ریزی قبلی انجام شده و حتی اسامی دو نفر از شکنجه‌گران زندان کهریزک که در اثر شکنجه محسن را به قتل رسانده بودند را به طور دقیق می‌دانستند. گفتنی است که در این مورد مهم‌ترین موضوع برای حکومت مسأله بسیار حیاتی افشای اطلاعات و اخبار از اداره اطلاعات بود. چرا که بیش از ۹۰ تن از نمایندگان مجلس هشتم، که تعدادی سوابق نظامی‌گری در سپاه داشته و دارند و حتی خود رئیس مجلس که از سرداران سپاه بود، بعد از اعلام قتل روح‌الامینی و نیز مشخص و آشکار شدن مسائل پشت پرده آن رئیس مجلس و اعضای کمیته ویژه تلاش نمودند تا مصرا درخواست بازدید از بازداشتگاه کهریزک را از بیت رهبری بکنند. با این حال تقاضای نمایندگان کمیته حقیقت‌یاب مجلس که اصرار بر بازدید از زندان کهریزک را داشتند، مردود اعلام شد. و از طرف بیت رهبری به آن‌ها تذکر داده شد که نظر خامنه‌ای دایر بر این است که موضوع بدون آن که بررسی و تحقیق شود از دور خارج شود. این مسأله باعث شد تا اعضای کمیسیون مجلس همگی استعفاء دهند و در نتیجه امکانی برای ادامه فعالیت کمیته ویژه حقیقت‌یاب به وجود نیاید. به علاوه تصفیه‌ای در وزارت اطلاعات صورت گرفت. همه همین تحولات در راستای دعوای درون جناحی حکومت به مرحله اجر درآمدند.

پیش از این دادسرای نظامی تهران، در دادگاهی در غیاب آمران کهریزک، فرماندهان را تبرئه و چند سرباز و درجه دار نیروی انتظامی را که از عاملان فجایع این بازداشتگاه بودند، به قصاص و انفصال از خدمت و حبس محکوم کرده بود. همان زمان خانواده‌های قربانیان کهریزک اعلام کردند که از قصاص محکومان گذشت کرده‌اند و خواهان رسیدگی به شکایات خود از سه قاضی: مرتضوی، حداد دهنوی و حیدری‌فر هستند.

این در حالی است که سعید مرتضوی یکی از متهمان اصلی فجایع بازداشتگاه کهریزک، به جای آن که مجازات شود مناصب دولتی را با حکم احمدی‌نژاد، یکی پس از دیگری طی کرد. او از ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تا به ریاست سازمان تأمین اجتماعی ارتقا مقام یافت.

سعید مرتضوی در طول دوران ریاست هاشمی شاهرودی در قوه قضائیه و در دولت خاتمی در مقام دادستان تهران، مشغول به فعالیت بود. بنابراین، در همه حکومت‌های دیکتاتوری هر عنصر حکومت بیش‌تر آدم‌کشی کند و قداره بند باشد سریعاً ارتقا مقام پیدا می‌کند!

جنایت دیگر کهریزک، خبر «خودکشی» پزشک وظیفه بازداشتگاه کهریزک بود. رامین پوراندراجانی، به عنوان دانشجوی ممتاز و با رتبه دو رقی در کنکور سرتاسری قبول شده بود. وی بعد از پایان یافتن دوران تحصیل در دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز، به عنوان پزشک وظیفه بهداری نیروی انتظامی تهران بزرگ در حال سپری کردن دوران خدمت سربازی‌اش بود که در نهایت تاسف و تأثر در روز سه‌شنبه ۱۹-۸-۱۳۳۸، به طرز مشکوکی در استراحتگاه خود در ساختمان فرماندهی بهداری نیروی انتظامی تهران بزرگ درگذشت. علت فوت وی از سوی کارکنان نیروی انتظامی به خانواده‌اش که در تبریز زندگی می‌کنند، سکنه قلبی (در خواب) اعلام شد. جنازه وی در صبح روز پنج‌شنبه ۲۱-۸-۸۸، در فضایی امنیتی در تبریز به خاک سپرده شد.

یک روز قبل از خاک‌سپاری این پزشک جوان، اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی روز چهارشنبه ۲۰-۸-۸۸، دلیل مرگ پزشک بازداشتگاه کهریزک را «خودکشی» اعلام کرد. به ادعای فرمانده نیروی سرکوبگر انتظامی (ناجا)، «رامین پور اندرجانی به عنوان متهم احضار شده بود.» اسماعیل احمدی مقدم، گفت: رامین پور اندرجانی، پزشک وظیفه بازداشتگاه کهریزک به عنوان متهم احضار شده بود و خودکشی کرده است.

اسماعیل احمدی مقدم، این ادعا را به این دلیل پیش کشیده بود که بسیاری مرگ این جوان را در رابطه با وقایع کهریزک و تصفیه‌ای می‌دانستند که درباره جنایات کهریزک اطلاعات زیادی داشت. احمدی مقدم، «مشکوک دانستن مرگ این پزشک جوان را نادرست خوانده؛ و ادعا کرده بود که «نامه به جا مانده از او دال بر خودکشی اوست.»...

در هر حال ایدئولوژی اسلامی، فقط بلای جان انسان‌ها، به ویژه زنان و غیرمسلمانان نیست، بلکه برخی حیوانات نیز مانند خوک و سگ، از نیش خطرناک و سمی و کشنده این ایدئولوژی در امان نمانده‌اند. البته لازم به تأکید است که انسان‌های غیراسلامی هم مانند «مشرکان» و «کمونست»ها و...، نجس‌اند.

فقهای مرتجع شیعه، سگ را یکی از نجاسات می‌دانند و این حکم بین آن‌ها اجماعی است. در مذاهب اسلامی، تنها گروهی که سگ را نجس نمی‌دانند مالکی‌ها (یکی از فرق اهل سنت) هستند که آن‌ها هم معتقدند احکام و دستورات مربوط به سگ، باید به صورت تعبدی عمل شود. آن‌ها با این که سگ را نجس نمی‌دانند، اما از روی تعبد ظرفی را که سگ لیسیده، هفت بار می‌شویند. در نجاست سگ فرقی بین انواع آن نیست و حکم همه آن‌ها یکی است.

در قرآن می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان نجس‌اند و بعد از امسال دیگر نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند، و اگر از فقر می‌ترسید زود باشد که خدا اگر بخواهد از کرم خویش شما را توانگر کند که خدا دانا و شایسته کار است.

خداوند که «روحی» در جسم محمد بود و او حرف‌هایش را به نام این «روح» خیالی خود به خورد مردم می‌داد و بعد از مرگ او، سخنان و فتوایش توسط جانشینانش در کتابی به نام «قرآن» جمع‌آوری شده است.

از امام صادق، یکی از ۱۲ امام شیعیان، درباره سگ سؤال شد. آن حضرت فرمودند: نجس است. آب نیم خورده سگ را دور بریزید و با آن وضو نگیرید، ظرف آب را ابتدا با خاک و سپس با آب بشویند. (وسائل الشیعة، ج ۳، باب نجاست کلب، ص ۴۱۸-۴۱۵ و باب نجاست خنزیر، ص ۴۱۹-۴۱۸)

از امام درباره حکم لباسی که به شراب و گوشت خوک برخورد کرده سؤال کردم، آیا می‌شود در این لباس نماز خواند...، حضرت در جواب پاسخ فرمودند، خیر. با این لباس نماز نخوان، چراکه نجس (پلید) است. (همان مدرک بالا)

از امام صادق، درباره گوشت سگ سؤال شد، فرمودند از حیوانات مسخ شده است، عرضه داشتیم حرام است، فرمود: نجس است و این کلمه را سه بار تکرار فرمود.

امام شافعی و احمد بن حنبل، دو امام دیگر اهل سنت، سگ را نجس می‌دانستند. بر خلاف اهل سنت، میان فقهای شیعه بر سر نجس بودن سگ اتفاق نظر وجود دارد، علمای شیعه علاوه بر این که تفسیری همچون برداشت امام شافعی و احمد بن حنبل از سخنان محمد پیامبر اسلام درباره سگ دارند، به سخنانی از امام جعفر صادق نیز استناد می‌کنند که به صراحت، سگ را نجس اعلام کرده است.

برای نمونه در کتاب اصول کافی آمده که امام صادق در پاسخ به سؤالی در مورد نجاست سگ، سه بار به صراحت پاسخ داده که سگ نجس است.

یکی از اصحاب محمد به نام «ابوهریره» مسأله‌ای از زبان عایشه، همسر پیامبر اسلام، نقل کرده با این مضمون که حسن و حسین، نوه‌های پیامبر، سگ توله‌ای را برای بازی به خانه برده بودند، روزی قرار بوده که در ساعت معینی، جبرئیل برای ابلاغ وحی نزد پیامبر برود اما آن ساعت فرا می‌رسد و خبری از جبرئیل نمی‌شود، پیامبر که از خلف و عده جبرئیل شگفت‌زده شده بوده ناگاه متوجه آن سگ در خانه می‌شود و پس از آن که سگ را بیرون می‌کند، جبرئیل وارد می‌شود و به پیامبر می‌گوید ما (فرشتگان) وارد خانه‌ای نمی‌شویم که در آن سگ باشد. این حکایت با عبارات و شیوه‌های مختلفی در کتاب‌های حدیث روایت شده است.

نکته دیگر این روایت این است که چه در روایت‌های مورد استناد اهل سنت و چه در نقل قول‌هایی که از امام علی و امام جعفر صادق آمده، عبارت کامل این‌گونه نقل شده که فرشتگان وارد خانه‌ای که سگ در آن باشد نمی‌شوند. در حالی که از دیدگاه پزشکی، مقایسه میزان بیماری‌های مشترک انسان و دام‌های اهلی مختلف و با توجه به آن که میزان بیماری‌های مشترک انسان با سگ، کمتر از بیماری‌های مشترک با حیواناتی مانند گاو و گوسفند است بنابراین، عامل «نجس» شمرده شدن سگ از دیدگاه اسلامی، هیچ منطق علمی و پزشکی و بیماری ندارد. برخی مسئولین و ارگان‌های حکومت اسلامی، وجود بیماری در سگ‌ها بهانه کرده‌اند تا سگ‌ها را نابود کند. در حالی که در صد انتقال بیماری از سگ به انسان کمتر از ده درصد است که با رعایت مراقبت‌های بهداشتی، این خطر کاملاً از بین می‌رود. بنابراین، حکومت اسلامی ایران، نه تنها حق آزادی و حق زندگی را از بسیاری از شهروندان ایران گرفته، بلکه سایر موجودات را نیز گرفته است.

اما سگ‌کشی در ایران؛ شغلی با درآمد چند صد میلیون تومانی و بودجه میلیاردی است! از این‌رو، کشتار سگ‌های ولگرد، خیلی بیش‌تر از آن که برای رفاه شهروندان باشد، برای درآمد از این راه است؛ چه در آستان قدس رضوی، شیراز، استان البرز و شهر کرج، چه پیرامون پایتخت و چه در کلانشهر تبریز که گاه شنیده می‌شود، سگ‌کش‌های فعال در آن، برای تأمین لاشه حیوان و دریافت پول بیش‌تر حتی به بیابان‌های کیلومتری آن سوتر از شهر هم سرکشی کرده و بدن بی‌جان سگ‌ها در آن نقاط را هم به جای حیوانات ولگرد در شهر به فروش می‌رسانند!

ظاهراً بر اساس «قانون»، می‌بایست مراکزی برای نگهداری این حیوانات ساخت و در آن‌جا یا عقیم‌سازی انجام شود یا مرگ بدون درد برای این حیوانات انجام شود که هزینه هر دو به مراتب بیش از ۵۰ هزار تومانی است که برای کشتن این حیوانات می‌پردازند.

کافی است بدانیم بنا بر اعداد و ارقام، تنها از محل کشتار و تحویل لاشه سگ‌های ولگرد به شهرداری، به ازای هر قلاده بیش از پنجاه هزار تومان به جیب مجری، یعنی «سگ‌کش» سرازیر شده و بعد برای معدوم‌سازی و خرده‌ریزهای دیگر کار، هزینه گزاف دیگری از «بیت‌المال» پرداخته می‌شود و البته در این میان مسئولین شهرداری‌ها نیز سهم خود را می‌برند.

هنگامی که سازمان مدیریت پسماند مشهد، رسماً اعلام کرده که ۲۱۸ میلیون از محل معدوم کردن سگ‌ها در این شهر درآمد داشته است، نباید کسی انتظار داشته باشد که شهرداری‌های حکومت اسلامی و شرکایشان، دست از این جنایت هولناک خود بردارند.

همه این روند به حدی بزرگ است که شنیده‌ها درباره بودجه معدوم‌سازی حیوانات «موذی»، میلیاردها تومان هدر می‌رود. به علاوه مهم‌تر از همه، یک جنایت سازمان‌دهی شده دولتی در جامعه و در مقابل شهروندان همانند دار زدن انسان در اماکن عمومی اتفاق می‌افتد.

همچنین کشتن سگ‌ها، عواقب روانی زیادی برای جامعه دارد؛ صدای گلوله در سطح شهر، فردی که گلوله را به سوی حیوان شلیک می‌کند، کسانی که شاهد این جنایت هستند، حیواناتی که گلوله می‌خورند و خون از وجودش فوارن می‌کند و... همگی در بهداشت روانی جامعه تأثیر مخربی دارند. یا یک سگ تیر خورده و زخمی، صد مرتبه خطرناک‌تر از سگ سالم بریا جامعه است.

کلیت حکومت اسلامی، جنایت‌کار است. مگر بار اولین بارشان است که از این جنایت‌ها انجام می‌دهند؟ از این‌رو، باید مطمئن باشیم که بار آخرشان هم نخواهد بود. این حکومت، نه به انسان‌ها رحم می‌کند و نه به حیوانات و نه به محیط زیست. واقعا باید برای جامعه‌مان متاسف باشیم که چگونه چنین حکومت آدم‌خواری را تحمل می‌کند. از این‌رو، متأسفانه تا روزی که این حکومت تبه‌کار و جانی با این ایدئولوژی ضدانسانی و ضد هر موجود زنده، بر ایران حکمرانی می‌کند این نوع فجایع و جنایات، همواره تکرار خواهند شد!

اما در هر صورت باید اعتراض به همه سیاست‌های جنایت‌کارانه حکومت اسلامی از فلاکت اقتصادی و سانسور و اختناق گرفته تا اعدام و تخریب محیط زیست و کشتن سگ‌ها و غیره اعتراض کرد. و تلاش کرد تا این اعتراضات را به مرحله عالی‌تری، یعنی به مرحله سراسری و پیگیر و هدفمندی با همبستگی همه جنبش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، علیه کلیت حکومت اسلامی، ارتقا داد.

تجربه مبارزات تاکنونی، به عیان نشان داده است که با اعتراضات و اعتصابات محلی و پراکنده نمی‌توان جانان حکومت اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کرد. یعنی اگر کارگران، معلمان، پرستاران، دانش‌جویان، زنان، روشنفکران، بیکاران، فعالین محیط زیست، مدافعان حیوانات و غیره هر کدام با خواست‌ها و مطالبات مخصوص خود، اما در یک صف متحد دست به اعتصاب و اعتراض بزنند آن موقع است که حکومت اجبارا عقب‌نشینی کرده و به مطالبات معترضین گردن خواهد گذاشت.

حکومت اسلامی، همین روزها اخیر، ده‌ها زندانی را اعدام کرده است بنابراین، هم به لحاظ انسانی و اجتماعی و هم سیاسی، بی‌نهایت مهم و ضروری است که در همه حرکت‌هایمان از جمله اعدام پس است و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی آزاد باید گردد را نباید فراموش کنیم!

زنده‌یاد صادق هدایت، به درستی گفته است: سگ در نزد ایرانیان پیش از اسلام، در هر دو جهان، یار و نگهبان انسان در برابر اهریمن بوده است. علمای شیعه اما سگ را نجس می‌دانند.

زندگی سگی در ایران همراه با روایت داستان سگ و لگرد صادق هدایت!

دوشنبه سی و یکم فروردین ۱۳۹۴ - بیستم اپریل ۲۰۱۴